

متن پرسش

بسم رب العلی العظیم نایب الشهید امام زمان حضرت خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه. بفدای فداکاری ابر انسانی که تمام بار وجود تاریخی ما را حامل بود و به صاحب تاریخ توحید آخرالزمان حضرت مهدی صلوات الله علیه با این شهادت تحویل داد و ما را بدون واسطه به حضرت سپرد. در ایام اخیر فکری بودیم که این همه تکیه مردم بر ایشان چقدر حساس است و متعجب ازین اتفاق، اما با شهادتشان یافتیم که ما را همراه خودش به خداوند سپرده و جمع صراط ها را به صراط کل نهایی فنا کرده و سپردند. این امر نهایی و مهم جز با تسلیم کامل ایشان به خداوند میسر نبود. بفدای عمر سراسر عبادی ایشان شویم که در خط مقدم ها دنیا آمدند و زندگی کرده و در خط نهایی بشری به اوج عبودیت تسلیم کردند. جناب استاد عزیز تر از جانم قربان حضوری که حضرتعالی ما را متذکر آن می‌فرمایید و آن حضور نرم است، بشوم که حاضر در نهایتی شده‌اید که آن ماورای هر سلاح و تکنولوژی است. حضور و قدرت نرم همان شمشیر ذوالفقار دو دم امام زمان است، آن شمشیری که گردنکشان ظالم عالم را گردن می‌زند؛ آن آنها را و بود آنها را گردن می‌زند و میدان را پاکسازی برای آن و بود انفسی. افعالی ما برای زندگی کردن می‌کند این همان تحقق زندگی در جهان ظهور است و اگر قدرت نرم نبود با افزایش روز افزون تجهیزات فیزیکی هیچ کنترلگری برای آنها نبود و امروز دست امت انسان و اسلام است. یاد دارم سالهای قبل این ویژگی نبود و بنده با این شعر مولانا گریه می‌کردم از ناتوانی زندگی با آن خود، زیرا تمدن ظالمان یهودی مدرن اجازه بودن به هیچ احدی نمی‌دادند! مولوی می‌فرمود:

آن من است او هی مزیندش

جان من است او هی مزیندش

شمع دل است او سبزی بیدش

سرخ سیب مثل ندارد باغ امیدش

و امروز بود آنها را با شمشیر نرم گردن می‌زنیم تا همه افعال آنها پوچ گردد و آنها گم و سلاح هایشان بی اثر شود. البته همه آدمیان همیشه حضوری نرم دارند حتی دشمنان لکن این حضور نرم حضور خاص تاریخ است که مد نظر است. این آن و بودن نتیجه چنین جهانی است و آن یعنی تحقق زندگی ما در زمان ظهور حضرت صلوات الله علیه! سلام خدا بر آن مرد کامل شده سید علی خامنه ای زنده تر از دیروز.

باسمه تعالی: سلام علیکم: حکایت «گز سنگ ناله خیزد وقت وداع یاران» حکایت عجیبی می‌باشد! نمی‌دانم با بودن‌اش بیشتر «هست»؟ و یا با رفتن و شهادت‌اش؟! راستی را! آن‌گاه که از قفس پر می‌کشد و به سوی عرش سیر می‌کند، به کدام منزل اشاره دارد که این اندازه جهان را در مقابل ما گشوده می‌کند؟! به گشودگی همه عرش. چگونه باور کنیم که ما در فردایی بس بلند با این مردِ بال‌گشوده می‌توانیم زندگی را به وسعت همه هستی تجربه کنیم؟! خواستم با بال‌گشودنِ او، بال‌گشایم به سرزمین‌های بیکرانه، ولی دیدم نه! هنوز بال‌ها کوتاه و همّت‌ها کوتاه‌تر است. می‌ماند که او ما را امیدوار کرد به بودنی که «بودن» دیگری است از آن جهت عرض شد:

ای مرد! تو در نسبت با قرآن و با دعا، تا کجا رفته بودی که تا این اندازه در شخصیت خود به نهایت‌های بشر آخرالزمان اشاره داشتی؟ با این مردم چه کردی که نمی‌دانند بعد از تو چه کنند؟!!! پس از خبر شهادتت، سرگشته و پریشان بدون اختیار میدان‌های شهر را به طرز فوق‌العاده‌ای پُر کردند. اشک‌ها ریختند تا تو را، آری! تا تو را به وسعت همه نهایتی که در پیش دارند احساس کنند. مگر می‌شود؟!!!

ای راز زمانه! من باید دوباره با تو قرآن و دعا بخوانم. من باید دوباره با تو مسلمان شوم. من باید دوباره با تو خدا را بشناسم. چه اندازه خداوند با تو بزرگ و حیرت‌انگیز است. موفق باشید